

به نام خدا

بیدارگان

خاکسترهای سوزان

راهنمای

بازی بیداری

خاکسترهای سوزان

نویسنده: علیرضا

سه نکته

- ۱- بازی از لحاظ فنی ایراداتی دارد . اگر مکرر از بازی بیرون می‌پیرید؛ باید از طریق منوی بارگذاری بازی را ادامه دهید ... دقت کنید که ادامه بازی را نباید بزنیید بلکه در بخش بارگذاری باید آخرین سی و خود را دوباره اجرا کنید
- ۲- رعایت ترتیب نکات گفته شده برای حل معما ها مهم است .
- ۳- راهنمای ویدئویی بعضی از جاهای سخت بازی در سایت رسانه ما یعنی حامی عصر بازی ایرانی HamieAsreBazieIrani.ir قرار خواهیم داد.

(۱) خانه

برای عضویت در یک شرکت وقت مصاحبه دارید . باید به وسیله کروکی، آدرس شرکت را پیدا کنید . با مادر در مورد رزومه و کروکی شرکت صحبت کنید؛ مادر به شما می‌گوید که رزومه داخل کمد است؛ همچنین کلید کمد را از او بستانید . پس از برداشتن رزومه متوجه می‌شوید که آدرس شرکت کنار رزومه نیست؛ از مادر در مورد آدرس شرکت سوال کنید . مادر کروکی را در سطل زباله انداخته ! به دم در بروید و تکه‌های پاره شده کروکی را از سطل زباله جمع کنید و آن‌ها را به روی کمد داخل خانه سرهم کنید؛ سپس چسب را از داخل کشوی کمد بردارید و تکه‌ها را بچسبانید . سپس از خانه رفته و به سوی شرکت حرکت کنید

(۲) شرکت

به شرکت می‌رسیم ... برای حضور در مصاحبه جهت استخدام باید به منشی شرکت شماره رزرو تان را بدهید و شما این شماره را ندارید ! ... خب اول قهوه ای که در لیوان منشی



هست را بردارید (برای اینکه منشی متوجه نشود به او بگوئید یک کد الکی وارد کند و هنگامی که رویش را برگرداند قهوه را بردارید) سپس آن را در سطل آبی که شیشه شور به وسیله آن شیشه‌های شرکت را می‌شوید؛ بریزید . بعد بیایید و دوباره به منشی یک شماره رزرو دیگه بگوئید تا منشی شیشه کثیف شده پشت سرش را ببیند ... خوب

ه. تا منشی می‌رود تا با شیشه شور دعوا کند؛ بروید پشت کامپیوتر و شماره رزروتان را نگاه کنید ... وقتی منشی برگشت به او شماره رزرو را بگویید و در مصاحبه شرکت کنید .

(۳) کارگزینی

فقط بشینید و از صحبت‌های این عزیزان لذت ببرید

(۴) انبار و موتور خانه

راهنمای ویدئویی این قسمت از بازی در سایت رسانه ما یعنی حامی عصر بازی ایرانی HamieAsreBazieIrani.ir قرار می‌دهیم.

حالا باید از شرکت فرار کنیم ... در ابتدا از جعبه ابزار پیچ گوشتی و سیم های لخت را بردارید؛ سپس از جیب لباس نگهبان شونه آینه دار را بردارید و بعد از آن رادیوی روی فایل را بردارید . به وسیله پیچ گوشتی رادیو را باز کنید تا آهن‌ربای آن را بردارید؛ اکنون باید وارد موتورخانه شوید؛ با استفاده از پیچ گوشتی تان ۴ پیچ قفل درب موتورخانه رو یکی یکی باز کنید (پیچ های سمت راست) و داخل شوید ... دستکش و چوبی که گوشه موتورخانه است را بردارید؛ سپس چهارپایه‌ای که وسط موتورخانه قرار دارد را روبروی فن موتورخانه قرار دهید ... حال باید فن را خاموش کنید و برای اینکار باید از طریق جعبه فیوز، فیوز مربوط به فن را خاموش کنید؛ با خواندن یادداشت برای جعبه فیوز متوجه میشوید که کلید جعبه فیوز درون کمد انبار هست؛ به انبار بروید؛ برای اینکه بتوانید داخل



کمد را مشاهده کنید باید شونه آینه دار را با چوب ترکیب کنید و با استفاده از آن داخل کمد و کلید را ببینید ...



سعی کنید به وسیله آهن ربا کلید را از کمد بیرون بکشید؛ با آهن ربا برای کمد کلیک کنید، بله آهن ربا قوی نیست؛ برای قوی کردن جریان آهن ربا کافی است سیم لخت را دور آهن ربا پیچید و سپس آن را داخل پریز برق فرو کنید (البته با دستکش عایق و اینکه این کار را در خانه نکنید وگرنه راهی دیار باقی میشوید !!!) حال که آهن ربا دارای جریانی قوی شده است آن را بروی کمد بگذارید و کلید را آرام آرام بالا بکشید؛ یکی چپ یکی بالا یکی راست یکی بالا و ... بله کلید جعبه فیوز از آن شماست . به موتورخانه بروید به روی جعبه فیوز کلیک کنید با کلید در جعبه فیوز را باز کنید و تک تک فیوزها را امتحان کنید تا بفهمید کدامش باید خاموش بشه !!! شوخی کردم ردیف اول از فیوزها و فیوز یکی مونده به آخر جواب ماست؛ بله فن خاموش شد حال به وسیله پیچ گوشتی پیچ های فن را باز کنید و الفرار



(۵) در محضر دایی!!! (خیلی اذیت میکنه)

راهنمای ویدئویی این قسمت از بازی در سایت رسانه ما یعنی حامی عصر بازی ایرانی
HamieAsreBazieIrani.ir قرار می‌دهیم.

دایی به شما پیشنهاد می‌دهد برای کسب و کار، گاری او را به بازار ببرید و از طریق فروش میوه درآمدی به دست آورید. اما اول او میخواهد غیرت شما را بسنجد. و شما برای اثبات غیرت خود باید ۳ قدم بردارید ... تعمیر گاری، چراغ گرد سوز و کالیبره کردن ترازو (البته تعمیر تراکتور در خلال اینها اضافه میشود) روی گاری یک چراغ گرد سوز است آن را بردارید؛ چرخ گاری را در جایش جا بیندازید سپس با میخی که پای چرخ افتاده چرخ را محکم کنید ... از دایی تان چکش را بخواهید. بله دایی شما چکش اش را نمی‌دهد (اول باید تراکتور را درست کنیم) پیت گازوئیل، آچار و کپسول پر، تمام آیتم‌هایی هستند که در گوشه و کنار محیط هستند و شما باید آنها را بردارید (پ ن پ باید بهشون نگاه کنید) درضمن روغن چکان را فراموش نکنید ... بریم سراغ اصلی‌ترین معمای بازی معمای ترازو (در این معما هزاران شهید داده ایم).

به ترتیب ۳ بطری دویست سی سی، سیصد سی سی و پانصد سی سی داریم ... ما آنها را از کوچک به بزرگ به ترتیب بطری یک، دو و سه می‌نامیم.

بطری ۳ پر است. ابتدا بطری ۳ را در بطری ۱ خالی کنید، سپس بطری ۱ را در بطری ۲ خالی کنید و دوباره حجم باقی‌مانده بطری ۳ را در بطری ۱ خالی کنید. حال بطری ۳ را بگذارید بروی ترازو. دکمه کالیبره را بزنید سپس دکمه set را بزنید و به وسیله فلش‌های ماشین حساب ترازو؛ عدد پنج را وارد کنید و درنهایت دکمه save را بزنید (طاقت بیارید داره تموم میشه) می‌بینید که همه چی درست است ... حال بطری ۳ را از روی ترازو بردارید و بعد بطری ۱ را به روی ترازو بگذارید دکمه set را بزنید و به وسیله فلش‌ها عدد ده را وارد کنید و دکمه save را بزنید (یه ذره دیگه مونده!) حال بطری ۱ را از روی ترازو بردارید. تمام حجم بطری ۳ را در بطری ۲ خالی کنید سپس بطری ۱ را در بطری ۳



خالی کنید . حال بطری ۲ را در بطری ۱ خالی و سپس بطری ۱ را در بطری ۳ خالی کنید . تقریباً حجم چهارصد سی سی از بطری ۳ بدست می آید . بطری ۳ را به روی ترازو بگذارید و دکمه set را بزنید و عدد بیست را به وسیله فلش ها وارد کنید و دکمه save را بزنید ... تمام تمام

ترازو کالیبره شد؛ برای اطمینان نزد دایی رفته و به او درباره ترازو توضیح دهید . او به شما می گوید کلید بالای ترازو را بردارید کلید را برداشته و قفل پیت کنارش را باز کنید و آن وزنه سیصد گرمی را بردارید و بگذارید روی ترازو ... دوباره به نزد دایی بروید اگر گفتی سیصد گرم است و او گفت آره یعنی معمای اول تمام شد ... حال باید تراکتور را درست کنیم تا بتوانیم چکش را از دایی عزیز جون مون بگیریم! در ابتدا نگاهی به موتور تراکتور نگاهی بیاندازید ... باید هوا رو از سیستم سوخت تراکتور خارج کنیم ...

اول باید پیت گازوئیل را درون باک تراکتور ریخته و باک رو پرکنیم سپس باید دوباره نگاهی به داخل تراکتور انداخته و سوئیچ تراکتور را بچرخانیم بعدش یک پیچ بالای سوئیچ هست که با آچار باید بچرخونیم و در آخر باید پیچ وسط رو با آچار بچرخونیم به به اینم از این ...

حال بروید تا تراکتور را روشن کنید

اول دنده تراکتور را خلاص کنید (اگه خلاص نکنید دایی عزیز از صحنه روزگار محو میشه) و تراکتور را روشن کنید

حال چکش را از دایی تان بگیرید و به وسیله آن میخ چرخ گاری را در جایش محکم کنید اگر هنوز زنده مانده اید باید یک معمای دیگر حل کنیم! باید کپسول چراغ گردسوز را پر کنیم



ابتدا روغن چکان را بروی چراغ گردسوز بریزید؛ سپس با آچار، سر چراغ گردسوز را باز کنید و حال با کپسول پر، کپسول چراغ گرد سوز را پر کنید
حال نزدایی بروید و به او بگویید که چراغ گرد سوز را تمام کردید
خداوندا شکر ت که دیگر تمام شد
نزد دایی بروید و چرخ را از او بگیرید
در ضمن دایی تان با لنگش چرخ گاری تان را زینت می دهد .

(۶) بازار

خوب برای فروش در بازار باید مجوز داشته باشیم اما ایهاب چون قصد رفتن دارد مجوزش را به ما می دهد (والا ... برای چی الکی بریم دنبال مجوز!) اما ما باید مجوز را تمدید کنیم (یه بار نشد مال مفت از گلوم بره پایین) پس پیش نگهبان شهربانی بروید برای تمدید مجوز ... باید ۱۰۰ دینار بپردازید اما شما پول را ندارید نزد ایهام برگردید . ایهاب می گوید اگر بتوانی قرض من را از ولید پس بگیری؛ پول مجوز را به تو می دهم . پیش ولید بروید اما او پول را مثل بچه آدم به شما نمی دهد! به ته بازار بروید و با عبدالعزیز در مورد ولید صحبت کنید . او انبار ولید و شاگردش رشید الدین را نشان می دهد ... برید با رشیدالدین صحبت کنید تا بتوانید از ولید آتو (فاکتورهای فروش ولید) به دست بیاورید! برای بدست آوردن آتو باید با رشیدالدین بر سر فاکتورها شرطی بازی کنید . اگه تونستید بازی رو ببرین؛ نزد ولید لاشخور بروید . حال که از او آتو دارید با او حرف بزنید و او خیلی زود تسلیم شما خواهد شد و پول را به شما پس خواهد داد !!! نزد ایهاب رفته و پول او را پس دهید ... او هم به شما صد دینار پول می دهد حال نزد نگهبان رفته و پول را بپردازید و مجوز کوفتی را تمدید کنید .

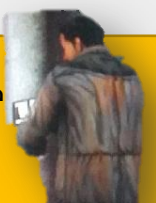


(۷) زباله دانی بیرون از شهر

ابتدا در آت و آشغال ها سوزن خیاطی، مقوا و دیلم (همون اهرم) را بردارید ... سعی کنید با سوزن قفل در را باز کنید؛ خوب قفل زنگ زده است و سوزن خوب نمیچرخه . فلذا باید به وسیله دیلم در را بشکنید ... باید گاری مان را پیدا کنیم . چرخ گاری ما همان جا افتاده؛ به وسیله مقوایی که دارید؛ رد چرخ را کپی کنید (با مقوا بروی چرخ کلیک کنید) و با استفاده از طرح به دست آمده مسیر رسیدن به گاری را پیدا کنید . (ابتدا از ورودی دوم؛ سپس ورودی سوم و در نهایت ورودی اول وارد شوید) حال باید از دروازه رد شوید هنگامی که رعدوبرق شروع به غرش می کند باید به وسیله دیلم نورافکن را بشکنید ... برای رسیدن به دخل گاری باید به جوری حواس نگهبان ها رو پرت کنید ... چجوری ؟ (سوال خوبی) باید برگردید اول مسیر و به وسیله کبریت کارتون های ورودی را آتش بزنید تا حواس نگهبان ها پرت شود و شما برید سراغ گاری ... بعد از گشتن گاری؛ سعی کنید دوستان را فراری دهید . به وسیله سوزن قفل در او را باز کنید و درنهایت از دست نگهبان ها فرار می کنید .

(۸) دوباره خانه

وقتی با دوستان به خانه برمی گردید می فهمید که مادران نیست شاید برای او اتفاقی افتاده ... سریع تر با او ارتباط بگیرید از خانه بیرون بروید و از همسایه تان خیرالدین در مورد مادر پرس و جو کنید؛ خیرالدین (همیشه داره سیگار میکشه!) به شما می گوید مادر شما را به بیمارستان بردند سریع بروید و با تلفن سعی کنید بفهمید کدام آمبولانس مادر شما را به کدام بیمارستان برده؛ اپراتور به شما میگوید معمولا آمبولانس ها بیمار را به نزدیک ترین بیمارستان محل سکونت میبرند؛ بر روی نقشه سید بوزید کنار خانه تان کلیک کنید بیمارستان نزدیک بیمارستان سمت راستی میباشد . به روی دایره های قرمز کلیک کنید تا مسیر را پیدا کنید .



(۹) دوباره بازار

بعد از تمام اتفاقات و جریاناتی که برای علی مرزوقی می‌افتد؛ باید به بازار برگردید تا ماشین اسباب بازی عبدالعزیز و پول و موتور ایهاب رو بهشون برگردونید . پس از اینکه با عبدالعزیز در مورد ولید صحبت کردید؛ متوجه می‌شوید که رشیدالدین به خاطر شما از کار بیکار شده بروید و با او صحبت کنید ... سپس با محمد، مردی که در انتهای بازار با حالتی غمگین ایستاده است صحبت کنید؛ در مورد همه چیز ... حال شما ظاهراً باید اعلامیه‌ها را پخش کنید؛ بروی اعلامیه‌هایی که دارید کلیک راست کنید ... متوجه میشوید که یکی از عکس‌ها مربوط به صالح المرعشی برادر رشید الدین هست ... بروی عکس کلیک کنید و سپس موضوع را به رشید الدین اطلاع دهید

(۱۰) پشت ساختمان شهربانی

باید از شلوغی بازار استفاده کنید و به بالای ساختمان شهربانی بروید تا اعلامیه‌های راشد الغنوشی را از آن بالا پخش کنید ... باید از نردبان استفاده کنید ... برای پایین کشیدن نردبان ابتدا به کلنگ کارگر نیاز دارید؛ با او حرف بزنید ... او به شما می‌گوید اگر مته‌اش را درست کنید دیگر نیازی به کلنگ ندارد و آن را به شما می‌دهد تا از آن استفاده کنید . برای درست کردن مته باید ژنراتور را تعمیر کنید؛ در واقع تسمه ژنراتور پاره شده است . تسمه ژنراتور را عوض کنید و آن را روشن کنید ... سپس کلنگ را از کارگر بگیرید کلنگ را به روی نردبان بزنید تا آن را پایین بکشید؛ خب کلنگ قدش به نردبان نمی‌رسد ! ابتدا تسمه پاره شده‌ای را که دارید با دیلم (همون اهرم) ترکیب کنید و سپس ترکیب این دو را با کلنگ ترکیب کنید تا به یه ترکیبی پررو دست پیدا کنیم . نردبان را پایین بکشید و به بالای ساختمان بروید و در نهایت اعلامیه‌ها را پخش کنید .

این بازی تجربه زیبایی بود

